

## رسالة الانوار في معدن الاسرار

تأليف : شرف الدين نيمدهی  
بررسی و نقد : دکتر اسماعیل حاکمی

تفسیر علمی است که حقیقت معانی آیات قرآن را به حسب طاقت انسان و به مقتضای قواعد لغوی و صرفی و نحوی و بلاغی عرب بیان می‌کند و در حقیقت مراد خدا را از قرآن آشکار می‌نماید و در مورد مفردات و ترکیبات و معانی آنها و اسباب نزول و ترتیب نزول و توضیح اشارات و مجملات و تمیز ناسخات و منسوجات و محکمت و متناسبات از یکدیگر و تفصیل تعریضات و قصص و حکایات آن بحث می‌کند. غرض از آن معرفت معانی و حقائق قرآنی و فایده آن حصول قدرت در استنباط احکام شرعیه بروجه صحیح و موضوع آن کلام الله است.

تا قسمتی از قرن اول تفسیر و توضیح معانی و مطالب قرآن به طریق شفاهی نقل می‌شد و از بزرگترین کسانی که در این مدت از صحابه به تفسیر قرآن شهرت یافتند خلفای اربعه و ابن مسعود و ابن عباس و زید بن ثابت و انس بن مالک و ابوهریره بوده‌اند که از هر یک عده‌ای روایت کرده‌اند، و از این میان بعد از علی بن ابیطالب (ع) ابن عباس از همه مشهورتر است چنانکه او را جبرالامه؛ و رئیس المفسرین لقب داده‌اند. روایتهایی که از این مفسرین شده اساس علم تفسیر قرار گرفته و تفسیرهای نخستین در حقیقت مجموعه‌ای از همین روایات بوده است. در نزد شیعه قدیمترین کتاب تفسیر قرآن مسوب است به امام محمد الباقر - علیه السلام - و این تفسیر را ابن الندیم هم از جمله تفسیر قدیم ذکر کرده است. از تفاسیر معروف قرآن می‌توان از تفسیرهای زیر نام برد.

(جامع البیان فی تفسیر القرآن معروف به تفسیر کبیر اثر مورخ و ادیب و فقیه بزرگ اسلامی محمد بن جریر الطبری (متوفی به سال ۳۱۰ هجری) که به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. تفسیر کشف الاسرار مبهدی که از دیدگاه دینی و عرفانی شرح و تفسیر شده است. تفسیر ابوالفتوح رازی، تفسیر امام فخر رازی، تفسیر گارز، تفسیر ابوزید البلخی (م ۳۲۱)، و تفسیر جبائی، و از میان مناه خران تفسیر المیزان علامه طباطبائی و تفسیر مرحوم آیت الله طالقانی.

در این مقاله به معرفی و نقد کتاب ( الانوار فی معدن الاسرار ) مضبوط در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می پردازیم :

\* \* \*

در میان نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران رساله خطی نسبتاً کوچکی وجود دارد به شماره ۴۴۹۶، شامل ۱۰۴ برگ و به نام (رسالة الانوار فی معدن الاسرار) تألیف مولانا شرف الدین محمد بن علی النیمدهی که در شعر (فنائی) تخلص می کند. ظاهراً نام کتاب و ترجمه حال مؤلف در جایی ذکر نشده است. مؤلف، این کتاب را به ظهیر الملة والصداره و رکن السلطنة والایالة عبدالباقی تقدیم کرده و در قصیده مدحیه ای که با مطلع ذیل برای وی سروده تخلص خود را (فنائی) آورده است.

زهی بلند جناب و رفیع مقصداری گز امرا و نکند یک نفس فلک تا خیر  
موضوع کتاب تفسیر آیه مبارکه ( نور ) است که بسیار فاضلان و محققان شرح نموده است. " الله نور السموات والارض... الایه " زمان تقریبی حیات مؤلف باید اوایل قرن نهم هجری باشد، چه گذشته از خط و کاغذ و سزلوح نفیس که مربوط به آن زمان است در صفحه ۵۰ از رساله مزبور از میرسید شریف جرجانی ذکری نموده و القابی آورده است که در قید حیات بودن وی را می رساند.

شارح و مفسر فاضل آیه مبارکه را به دو نحو تفسیر کرده است. بدین طریق که از صفحه ۱ تا ۴۶ به عقیده علمای متشرع الهی و از صفحه ۴۶ تا پایان نسخه (صفحه ۲۱۰) به زعم و عقیده عرفا و متصوفه است، و در بخش دوم تحقیقات عالییه عرفانی و مطالب دقیق حکمی دارد که دلیل بر احاطه و مراتب علمی و فصل مؤلف این رساله گرانقدر است. رساله چنین آغاز می شود. " بسم الله الرحمن الرحیم، وبه الاستعانة فی التتمیم. الحمد لله الذی نور مشکات الاعیان بنور مصباح ذاته و صیر انعکاس نوره مجلی ظهور صفاته و آیانه... اما بعد چون برار باب سیرت و اصحاب بصیرت مبین و مبرهن است که علو جمال و وحدت نه در مرتبه ای است که خفافیش دیا حیرت زلفت سرای حدوث به نظر کلیل و فکر علیل ادراک سبحات انوار آن توانند نمود لاجرم هر معنی که عقل در وصف آن تصور نماید و هر صورتی که در خیال آید گرمی السهام فی جنح الظلام خواهد بود، خصوص که زبده کونین و خلاصه عالمین نداء " للاحصی ثناء " علیک " در داده باشد... " .

رساله چنین پایان می‌پذیرد. "هر آیه در مقابل هر شخصی از اشخاص اسیب‌تعیینی است از تعینات اولیای امت مرحومه واقع باشد (کذا) چنانچه (= چنانکه) مفصلاً مبین گشت، و ادای آن سابقاً نمود و به استشهاد حدیث، "علماء امتی کانسیا بنی اسرائیل" آورده شد، همچنانکه از افق شهادت ظهور یافته بود در افق غیب مخفی نمود و مبداء و معاد یکی شود، و دور دایره کمال به اتمام رسد. چون اوقات مساعدت ننمود و مواعی بی شمار بود اختتام کلام لازم نمود. "الحمد لله اولاً و آخراً". تمت الرسالة بعون الله وحسن توفیقه".

در این رساله از انبیاء و امامان و رجال معروف دین و عرفان به مناسبت‌های گوناگون یاد شده است. از انبیاء، حضرت محمد مصطفی (ص)، ابراهیم خلیل، آده و یوسف و عیسی (ع)، از اهل بیت و امامان، حضرت فاطمه، حضرت علی بن ابیطالب و حضرت صادق (ع) از قراء سبعة، ابو عمرو و کسائی (صفحات ۱۷ و ۳۸).

از مفسران بزرگ، ابن عباس، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود (صفحات ۱۴ و ۱۵).

از علماء و عرفا، حسن بصری، بایزید بسطامی، غزالی، حسین بن منصور حلاج، شیخ روزبهان، جنید بغدادی، محی‌الدین عربی، سهل تستری و غیره.

از فرق مذهبی، مسلمان، یهود و ترسا (= نصرانی) (۲۱).

از فرقه‌های کلامی و متکلمان، اشاعره (۱۹)، معتزله (۲۵)، صوفیه (۲۶ و ۵۴).

جای جای در شرح آیه نور به آیات مختلف قرآن استناد شده است، از جمله، (فاینما تولوا فثم وجه الله) (البقره، ۱۵۹)، (تعاونوا علی البر و التقوی) (الماعده، ۵)، (و علم آدم الاسماء کلها...) (البقره، ۲۹)، (و ما رمیت اذ رمیت...) (الانفال، ۱۷).

همچنین مؤلف به احادیث مختلف تمسک جسته است، از جمله، (انا و علی من نور واحد) (صفحه ۳۱)، (ان لله فی ایام دهر کم نجات الافتراضیها) (صفحه ۸)، (کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین) (حدیث قدسی، صفحه ۸۲)، (علماء امتی کانسیا بنی اسرائیل) (۹۶).

لغات و اصطلاحات مذهبی، مانند، نماز، روزه، قرآن، تسبیح (۵۷) و ولایت مطلقه (۹۸).

لغات و اصطلاحات عرفانی، مکاشفه (۴۲)، تجلیه (۴۲)، فنا فی الله (۵۷)، تصفیه (۸۹)، توکل (۸۹).

لغات و اصطلاحات نجومی ، مانند . بروج ، نیرات ، کواکب ، ثوابت (۳۵) ، افلاک تسعه (۶۰) ، افلاک سبعة (۸۵) ، بروج دوازده گانه (۸۵) .  
 لغات و اصطلاحات فلسفی . عرض (۱۴) ، ماهیت (۲۸) ، واجب الوجود (۲۸) ، عقل اول (۸۳) ، عقل کل ، نفس کل (۸۵) .

لغات عربی . کوه (۱۶) ، مقوس ، مقننس (۸) .

نمونه ای از اشعار مؤلف که ( فنائی ) تخلص می کند .

زهی بلند جناب و رفیع مقصداری      گز امر او ننگند یک نفس فلک تاء خیر  
 ظهیر دولت و دین مقتدای اهل یقین      که در وجود نیاورده چون تو چرخ اشیسر  
 ( فنائی ) از گرمت این امید دارد و بس      که همچو ذره هویدا شود به مهر ضمیر (۹)  
 سبک نگارش کتاب . مؤلف گاه از صنایع بدیعی استفاده کرده است از جمله سجع ، مانند . " نور رحمت از روی او ظاهر و نور غیرت در چشم او باهر " (۳۱) .

استفاده از ضرب المثل های معروف . " جرات بر این جسارت غرض تحفه ، مورچه ،

ضعیف به سلیمان نبی - علیه السلام است . رباعیه :

جانرا بر تو به تحفه صد جان بریدن      کمتر بود از زیره به کرمان بریدن  
 لیکن دانم که رسم موران باشد      پای ملخسی نزد سلیمان بریدن  
 ( صفحه ۱۲ )

گاه برای تاء کید کلام خود به نقل سخنان حکما و عرفای معروف می پردازد . از جمله

در عبارت ذیل . " شیخ عبداللہ انصاری می فرماید که اگر به هوا پری مگسی باشی ، و گر به روی آب روی خسی باشی ، دلی به دست آر تا کسی باشی . رباعیه :

در راه خدا دو کعبه آمد حاصل      یک کعبه صورتست و یک کعبه دل  
 تا بتوانسی زیارت دلها کن      گافزون ز هزار کعبه باشد یک دل  
 ( صفحه ۲۲ )

از لحاظ دستوری گاه مانند قدا علامت ( مر ) را به عنوان تاء کید بر سر مفعول صریح

در می آورد . " تجلی ذات الهی شامل است مرجع موجودات ( را ) ( صفحه ۱۰ ) .

گاهی نیز مانند برخی از قدا به جای همچنانکه ( قید تشبیه ) همچنانچه به کار می برد .

"همچنانچه حضرت رسالت صلعم بنا بر عظم نفع او فرموده که علیکم بهذه الشجره . . ." (صفحه ۳۶) .  
 رویهمرفته نثر کتاب نثری ساده و طبیعی است که در برخی موارد به هنگام  
 عبارت پردازی و استفاده از صنایع بدیعی تا حدودی به نثر مصنوع و فنی نزدیک می شود:  
 " شبی در گوشه‌ای نشسته و در به‌روی اغیار بسته، دیده‌ اعتبار گشوده بودم و  
 در آیت نور که کاشف حقایق مستور است تا مل می نمودم، و چنانچه دایب بینایان هوشمند  
 و دانایان ارجمند باشد در ظهور الهیت و تنزلات او که در عوالم امکانیه است، به دیده  
 بصیرت می دیدم . . ." (صفحه ۸) .

" نعمت عافیت را چون حطام مستعار به طریق عنف استرداد نموده و منحت به  
 منحت مبدل گردانیده، تمامی نقوش مواد محفوظات از لوح صمیر کسیر محسوس ساخته و غبار  
 قدنسبحت علیها العناکب بر آن پرتو انداخته . . . و خاطر فاتر به صفت بیضیق صدری و  
 لاینطلق لسانی متصف . . ." (صفحه ۱۵) .

برای حسن ختام بخشی از این تفسیر ارجمند را که بر مشرب عرفان تحریر شده نقل  
 می کنیم . " و آنچه بعضی از اصحاب طریقت و ارباب حقیقت خصوص عارف باری شیخ عبدالله  
 انصاری قدس سره در این آیه مذکوره فرموده اند این است که الله تعالی روشن کننده  
 آسمانها و زمین است، مصور اشباح و منور ارواح است جمیع انوار از اوست و قوام همه به  
 اوست، بعضی ظاهر و بعضی باطن . . ." (صفحه ۵۸) .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

#### با استفاده از:

- ۱ - لغت نامه دهخدا ( شماره ۱۱۴ ) .
- ۲ - تاریخ ادبیات آقای دکتر صفا ( جلد اول ) .
- ۳ - فهرست نسخ خطی
- ۴ - مقدمه و متن رساله الانوار ( کتابخانه مرکزی ) .